نهج‌البلاغه و بازخوانی مفهوم وحدت در اندیشه اسلامی

چکیده

وحدت و همبستگی میان مسلمانان، از مسائل بسیار مهم و اساسی است که کلام خدا و سنت نبوی، بر آن تأکید فراوان نموده اند. امام علی(ع) وحدت اسلامی را از نعمتها و موهبتهای الهی می‌داند و معتقد است: تنها عامل وحدت آفرین در جامعه اسلامی، قرآن کریم و نبوت پیامبر اکرم(ص) است. اهتمام آن حضرت به این مسئله مهم و تحقق آن، بسیار است، تا جامعه اسلامی دچار تفرقه و پراکندگی نگردد. نوشتار حاضر پژوهشی توصیفی ـ تحلیلی با هدف شناسایی زوایای گوناگون وحدت اسلامی در اندیشه امام علی(ع) است که به شیوه‌ای نظام‌مند به رشته تحریر درآمده است. در این نوشتار با نشان دادن راهکارهای عملی امام علی(ع)، در تحقق این اصل اسلامی، این نتیجه حاصل می شود که وحدت و انسجام میان مسلمانان از جمله مضامین دینی و اجتماعی مهم نزد ایشان است که بر آن تأکید ویژه داشته و آن را عامل پیروزی مسلمانان می‌دانسته است.

مقدمه

موفقیت مسلمانان در جوامع امروزی که استکبار جهانی با تمام توان، جهان اسلام و برخی کشورهای اسلامی را نشانه گرفته، در گرو توجه به همبستگی و وحدت اسلامی است. این امر از موضوعات کلیدی و مهمی است که از دیرباز مورد توجه اسلام نیز بوده است. با مراجعه به قرآن کریم می‌توان جمیع انحرافات فکری، اعتقادی و عملی مسلمانان را که به وسیله بیگانگان مفسد و مغرض یا به دلیل جهل خود مسلمانان و یا هر عامل دیگری در طول تاریخ پدید آمده است، تشخیص داد و راه راست را شناسایی کرد. بنابراین درمان جمیع دردها و اصلاح همه مفاسد و وصول به همه سعادات را باید از قرآن خواست (ر.ک: شریعتی، ۱۳۵۲ش، ص۲۹۴).

خداوند در قرآن کریم مسلمانان را به اتحاد و الفت با یکدیگر دعوت نموده است: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلا تَفَرَّقُوا» (آل‌عمران، ۱۰۳). پیامبر(ص) نیز مسلمانان را به حفظ

وحدت و پرهیز از تفرقه سفارش می‌کند و می‌فرماید: «ای مردم با جماعت باشید که دست خدا با جماعت است و هرگز متفرق نشوید» (متقی هندی، ۱۴۱۳ق، ج۱، ص۲۰۶). همچنین رسول اکرم(ص) در اوایل حضور در مدینه، قراردادی بین مسلمانان و یهودیان منعقد نمود که با توجه به مواد مختلف این پیمان، امری در راستای از بین بردن اختلافات و ایجاد وحدت سیاسی بود (ر.ک: آیتی، ۱۳۶۶ش، ص۲۳۴).

پیامبر اسلام در کلامی، جامعه اسلام را به پیکر واحد تشبیه کرده و می‌فرماید: «داستان مؤمنان در همگامی و مهربانی نسبت به هم، چون داستان جسد است. هنگامی که بعضی از اعضای انسان دچار رنجی می‌گردد، سایر اعضای بدن انسان واکنش نشان داده و دچار تب و بی‌خوابی می‌گردند» (مجلسی، ۱۳۶۰ش، ج۱۵، ص۲۸۷).

امیرمؤمنان علی(ع) که در سایه مکتب پیامبر بالیده و دستورات اسلامی را از ایشان فرا گرفته است، تکامل مادی و معنوی امت اسلامی را در انسجام و اتحاد اسلامی می‌دانسته و با رفتارهای سیاسی، اجتماعی و مذهبی خویش در صدد اتحاد هرچه بیشتر جامعه اسلامی بوده است. ایشان هدفی جز این نداشت که شکاف امتها را از میان بردارد یا راه رشدی را آماده سازد (ر.ک: عبدالمقصود، ۱۳۵۳ش، ص۱۲۹).

با مراجعه به کلمات حضرت چنین می‌توان استنباط نمود که «اتحاد» امری فطری و طبیعی می‌باشد و انسان با روحیه نوع دوستی پدید آمده است. بنابراین آنچه باید به ریشه‌یابی آن پرداخت، «اختلاف» است؛ زیرا «اتحاد» ریشه در فطرت انسان دارد. در خطبه ۱۱۳ نهج البلاغه آمده است: «شما براساس دین خدا برادران یکدیگرید، چیزی جز آلودگی درونها و بدی نیتها، شما را از هم جدا نکرده است، به همین دلیل یکدیگر را یاری نمی‌دهید، و خیرخواهی هم نمی‌کنید و به یکدیگر بذل و بخشش ندارید و باهم دوستی نمی‌ورزید».

گرچه وحدت‌گرایی فطری است، اما امور فطری نیازمند پرورش و توجه می‌باشد و بی‌توجهی و عدم اهتمام به آن، موجب این می‌شود که شکوفا نگردد و یا در معرض تندبادهای روزگار قرار گیرد، به همین جهت امیرالمؤمنین علی(ع) برای تقویت این امر فطری در بین امت پیامبر، بسیار تلاش می‌نمود و خود را مشتاق‌ترین شخص به وحدت اسلامی به شمار می‌آورد که با صراحت به پیشتازی در این زمینه اشاره نموده است: «بدان هیچ‌کس از من بر اتحاد و همبستگی در امت محمد(ص) حریص‌تر نیست، من در این کار خواستار پاداش نیکو و بازگشت به جایگاه نیکو هستم» (نهج البلاغه، ص۶۱۸).

عبدالمتعال صعیدی، استاد دانشگاه الازهر در مقاله‌ای با عنوان «علی بن ابی‌طالب و تقریب بین مذاهب»، می‌نویسد: «این فضیلت بزرگی برای علی بن ابی‌طالب(رض) است که اولین بنیان‌گذار تقریب بین مذاهب بود، تا اختلاف رأی و نظر، موجب تفرق و پراکندگی نگردد و غبار دشمنی میان طوایف مختلف، برپا نشود؛ بلکه با وجود اختلاف نظر، وحدت و یگانگی خود را حفظ کنند و برادروار زندگی نمایند» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۵۷ش، ص۲۰۷).

وحدت، مهم‌ترین ویژگی دین اسلام است و در نهج البلاغه، اثر گران‌قدر و آسمانی ا

مام علی(ع) که راهنمای مسلمانان در ایجاد و پایداری این امر بزرگ و حیاتی است، خطبه‌ها و سخنان امام بهترین مشوق در به وجود آمدن انسجام و وحدت اسلامی میان مسلمانان جهان می‌باشد. نگارندگان در این مقاله می‌کوشند با بازخوانی وحدت اسلامی در نهج البلاغه، به واکاوی دیدگاهها و نظرات ایشان در این مورد بپردازند.

تبیین مفهوم وحدت

وحدت در لغت به معنای یگانگی، یکپارچگی و یکی شدن است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج۲، ص۵۴۷) و در اصطلاح یعنی ملت و امت اسلام باید هماهنگ، یک‌نواخت و هم‌صدا باشند (خامنه‌ای، ۱۳۷۷ش، ج۴، ص۹۱). اتحاد میان مسلمانان به معنی نزدیک شدن فرقه‌های اسلامی به یکدیگر، با حفظ کیان و ماهیت آنها است و این به معنی تحفّظ بر اصول مشترک و آزاد گذاردن و معذور داشتن هر فرقه در فروع خاصه خود آن است و راه رسیدن به این هدف، تکیه کردن بر عقل و منطق و دوری گزیدن از احساسات زودگذر و تعصّبات غیرقابل کنترل است (خومحمدی، ۱۳۸۵ش، ص۴۵).
امام علی(ع) در خطبه قاصعه، وحدت اسلامی را این‌گونه تعریف می‌کند: «خواسته‌های آنان یکی، قلبهای آنان یکسان و دستهای آنان مددکار یکدیگر، شمشیرها یاری کننده، نگاهها به یک سو دوخته و اراده‌ها واحد و همسو بود» (نهج البلاغه، ص۳۹۴).

ضرورتها وکارکردهای وحدت اسلامی در اندیشه امام علی(ع)

وحدت و همبستگی، ضرورتی فطری، عقلی، شرعی، سیاسی و اجتماعی است که از مهم‌ترین عوامل حفظ و بقای اجتماع انسانی است و بشر نه تنها برای بقای حیات جمعی، بلکه برای برخورداری از یک زندگی مطلوب، چاره‌ای جز پذیرش آن ندارد (جمشیدی، ۱۳۸۴ش، ص۵۲). یکی از مؤلفه‌های اصلی تفکرات اسلامی امام(ع)، اتحاد میان مسلمانان بود و در بیان اهمیت این موضوع در اندیشه حضرت علی(ع) همین بس که ایشان در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه، اتحاد میان مسلمانان را موهبتی بی‌بدیل از جانب خداوند می‌داند و می‌فرماید: «آگاه باشید! که شما دست از رشته اطاعت کشیده و با زنده کردن ارزشهای عصر جاهلیت، دژ محکم الهی را درهم شکستید؛ در حالی که خداوند بر این امت اسلامی، بر وحدت و برادری منت گزارده بود که در سایه آن زندگی کنند؛ نعمتی که هیچ‌کس نمی‌تواند بهای آن را تعیین نماید؛ زیرا از هر ارزشی برتر و از هر کرامتی والاتر است» (نهج البلاغه، ص۳۹۷).
بنابراین وحدت و اتحاد، اولاً؛ ضرورت عقلی است، ثانیاً؛ آیات فراوان و احادیث اهل‌بیت(ع) نیز آن را یک اصل حیاتی می‌دانند؛ اصلی که در جوامع اسلامی نتایج پربار و غیرقابل انکاری دارد که

مسلمانان در سایه آن به خواسته‌های الهی و انسانی خویش دست می‌یابند. امام علی(ع) در نهج البلاغه، از عوامل متعددی به عنوان دستاوردها و نتایج اتحاد و انسجام اسلامی نام می‌برد که از این قرارند:

۱) حفظ دین اسلام

در سایه وحدت میان مسلمانان است که می‌توان دین اسلام را حفظ کرد، همچنان که امام(ع) در نامه ۶۲ نهج البلاغه می‌فرماید: «من دست باز کشیدم تا آنجا که دیدم گروهی از اسلام بازگشته، می‌خواهند دین محمد(ص) را نابود سازند؛ پس ترسیدم که اگر اسلام و طرفدارانش را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن ببینم، یا شاهد نابودی آن باشم، که مصیبت آن بر من سخت‌تر از رها کردن حکومت بر شما است. پس در میان آن آشوب و غوغا بپا خاستم؛ تا آنکه باطل از میان رفت و دین استقرار گرفته، آرام شد» (همان، ص۶۰).

۲) جلوگیری از اختلافات فرقه‌ای و مذهبی

اسلام با تعلیمات مبنی بر جستجوی علم و ترک تعصبات قومی، مذهبی و اعلام همزیستی با اهل کتاب، غلها و زنجیرهایی را که به تعبیر خود قرآن به دست و پا و گردن مردم جهان آن روز بسته شده بود، پاره کرد و زمینه رشد یک تمدن عظیم و وسیع را فراهم آورد (مطهری، ۱۳۹۰ش، ص۱۵۰). اختلافات مذهبی و جنگهای طایفه‌ای میان امتهای مختلف، جامعه اسلامی را دچار آشوبهای اجتماعی و سیاسی می‌نماید و همین امر علاوه بر عقب ماندگی جوامع اسلامی، منجر به تضعیف و نابودی دین اسلام می‌شود و مسلمانان را از دستیابی به اهداف و آرمانهای متعالی خویش بازمی‌دارد.

راهکار عملی امام علی(ع) در جلوگیری از بروز اختلافات مذهبی در میان مسلمانان، بهره‌گیری از تقیه در زمان حکومت خلفای نخستین اسلام است. حضرت در نمازهای ایشان حاضر می‌شود و برای حمایت از دین با آنان همراهی می‌کند و به جنگ دشمنان دین می‌رود (مجلسی، ۱۳۶۰ش، ج۱۵، ص۳۰۹).

امام علی(ع) در خطبه ۱۹۲ نقش وحدت را در پرهیز از جنگهای مذهبی به زیبایی به تصویر می‌کشد: «آن‌گاه که وحدت اجتماعی داشتند، خواسته‌های آنها یکی، قلبهای آنها یکسان، آیا در آن حال مالک سراسر زمین نشدند؟ پس به پایان کار آنها بنگرید! در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند و مهربانی و دوستی از میان آنها رفت و از هم جدا شدند، به حزبها و گروهها پیوستند، خدا لباس کرامت خود را از تن آنها بیرون آورد و نعمتهای شیرین را از آنان گرفت» (نهج‌البلاغه، ص۳۹۴).

امام در خطبه ۱۷۶ می‌فرماید: «از چنددستگی در دین حذر کنید، که همبستگی و وحدت در راه حق، گرچه کراهت داشته باشید، از پراکندگی در راه باطل، گرچه مورد علاقه شما باشد، بهتر است؛ زیرا خداوند سبحان نه به گذشتگان و نه آیندگان، چیزی را به تفرقه عطا نفرموده است» (همان، ص۳۳۸).

۳) تحقق حکومت اسلامی

نامه امام علی(ع) به مالک اشتر، الگویی از حکومت اسلامی و دربر دارنده عوامل و مؤلفه‌های کارآمدی نظام اسلامی است که از تربیت دینی، عدالت اجتماعی، تمسک به قرآن و سنت

، قضاوت و داوری عادلانه، آبادانی و عمران، شایسته گزینی در مدیریتها، توجه به محرومان و طبقات

پایین جامعه، مردم دوستی، نظارت منطقی و مداوم در حوزه مدیریت، بستن راه مدیحه سرایی و تملق، پرهیز از امتیاز خواهی و … برخوردار است. بنابراین همه این مؤلفه‌ها سرفصلهای مهمی هستند که در دو ساحت معنویت و مدیریت، حکمت و حکومت و اخلاق و اداره جامعه فرا روی اصحاب سیاست قرار گرفته است تا نظام‌نامه یا قانون اساسی و سیاست‌ورزی و ضوابط اجرایی ـ مدیریتی، اسلام ناب را دربر داشته باشد و اخلاق، حکومت، معنویت و اداره جامعه را تفکیک ناپذیر و باهم و در هم نشان دهد؛ زیرا هرگاه توحید و عبودیت از ساماندهی و سیاست اجتماعی جدا شد، فرد و جامعه دچار خسرانهای جبران-ناپذیر شده است (مطهری، ۱۳۸۵ش، ج۲۴، ص۲۴).

در بینش الهی امام علی(ع)، حکومت اسلامی، نقش مؤثری در ایجاد وحدت و یکپارچگی امت دارد؛ زیرا امتی که با داشتن هدف الهی، در مسیر تکامل گام برمی‌دارد، به ناچار باید به رهبری تمسک جوید که تبلوری از آرمان الهی و مورد قبول و پذیرش و مقتدا و دلیل تحرک و پویایی باشد. امام با اشاره به سیاستی که زمامدار جهت حفظ نظام باید به کار گیرد، لزوم حکومت و نقش آن در وحدت امت را چنین بیان می‌فرماید: «نقش زمامدار نسبت به ملت، مانند رشته‌ای است که مُهره‌ها را گرد آورده و به یکدیگر پیوند می‌دهد. اگر رشته بگسلد، دانه‌ها از هم می‌پاشند و به تمامی گرد نمی‌آیند» (نهج البلاغه، ص۲۶۸).

۴) ایجاد عدالت اسلامی

مکتب اسلام با الهام از آیات قرآنی و روایات پیشوایان دینی، بر اقامه عدل و قسط در جامعه انسانی تأکید دارد و هدف از بعثت انبیا را تحقق عدالت اجتماعی می‌داند و بر عدالت‌خواهی در همه ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پافشاری می‌نماید. به عنوان مثال قرآن کریم فلسفه تشکیل حکومتها و بعثت انبیا را اقامه قسط و عدل و حل اختلافات گوناگون بین مردم دانسته است: «وَ قالَتِ الْیَهُودُ لَیْسَتِ النَّصاری عَلی شَیْءٍ وَ قالَتِ النَّصاری لَیْسَتِ الْیَهُودُ عَلی شَیْءٍ وَ هُمْ یَتْلُونَ الْکِتابَ کَذلِکَ قالَ الَّذینَ لا یَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ یَحْکُمُ بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیامَةِ فیما کانُوا فیهِ یَخْتَلِفُونَ» (بقره، ۱۱۳)؛ «یهود بر این دعوی هستند که نصاری را از حق چیزی در دست نیست و نصاری بر این دعوی که یهود را از حق چیزی در دست نیست، در صورتی که هردو گروه در خواندن کتاب آسمانی یکسان هستند. این‌گونه دعویها نظیر گفتار و مجادلات مردمی است که از کتاب آسمانی بی‌بهره‌اند و خداوند در این اختلافات روز قیامت میان آنها حکم خواهد فرمود».

در بینش امام(ع) نیز عدالت اسلامی جایگاه والایی دارد و از نظر حضرت، میان وحدت و عدالت رابطه تنگاتنگی است و فقط با وحدت می‌توان به عدالت رسید. چنان که حضرت در خطبه ۲۱۶ می‌فرماید: «آن‌گاه که مردم حق رهبری را ادا کنند و زمامدار حق مردم را بپردازد، حق در آن جامعه عزت یابد و راههای دین پدیدار و نشانه‌های عدالت برقرار، و سنت پیامبر(ص) پایدار گردد. پس روزگار اصلاح شود و

مردم در تداوم حکومت امیدوار و دشمن در آرزوهایش مأیوس گردد، اما اگر مردم بر حکومت چیره شوند، یا زمامدار بر رعیت ستم کند، وحدت کلمه از بین می‌رود، نشانه‌های ستم آشکار و نیرنگ بازی در دین فراوان می‌گردد و راه گسترده سنت پیامبر(ص) متروک، هواپرستی فراوان، احکام دین تعطیل و بیماریهای دل فراوان شود» (نهج البلاغه، ص۴۴۲).

۵) برخورداری از نعمتهای الهی

از دیدگاه حضرت علی(ع) خداوند در طول تاریخ بشری هیچ نعمتی را با وجود اختلاف، به قوم و امتی عنایت ننموده است: «خداوند سبحان نه به گذشتگان و نه آیندگان، چیزی را با تفرقه عطا نفرموده است» (همان، ص۳۳۸). نه تنها اختلاف مانع نزول فیضهای الهی می‌شود، حتی باعث سلب نعمتهای موجود نیز می‌گردد. چنان که امام علی(ع) با اشاره به سرانجام قوم بنی‌اسرائیل، چنین بیان می‌کند که چگونه با رسوخ تفرقه بین آنها، دوستیها و مهربانیها رخت بربست و پراکندگی و اختلاف سبب جنگ آنها علیه یکدیگر گردید و این اختلافات سبب شد که خداوند، لباس عزت و فراوانی نعمتش را از آنان برگیرد (همان، ص۳۹۵).

۶) جلوگیری از تسلط شیطان

وحدت در جهان‌بینی امام(ع)؛ یعنی پرهیز از تسلط شیطان بر انسان؛ چون تفرقه، دسیسه شیطان است و شیطان بین انسانها اختلاف ایجاد می‌کند. امام علی(ع) در غرر الحکم می‌فرماید: «از تفرقه و اختلاف دوری کنید؛ زیرا اگر گروه اندکی ـ ولو حق باشند ـ از امت اسلامی جدا گردند، طعمه شیطان می‌شوند، مانند گوسفندی که اگر از گله دور افتد، طعمه گرگ بیابان است» (غرر الحکم و درر الکلم، ج۲، ص۳۲۶). امیرمؤمنان(ع) در نهج البلاغه درباره کسانی که از راه مسلمانان جدا شده و به خوارج پیوستند و راه تفرقه در پیش گرفتند، می‌فرماید: «امروز شیطان آنها را به تفرقه دعوت کرد و فردا از آنها بیزاری می‌جوید و از آنها کنار خواهد کشید. همین ننگ آنان را کافی است که از هدایت گریختند و در گمراهی و کوری فرو رفتند، راه حق را بستند و در حیرت و سرگردانی ماندند» (نهج البلاغه، ص۳۴۴).

۷) پیروزی مسلمانان

پیروزی و گسترش اسلام در سالهای اولیه بعثت، نتیجه همبستگی و وحدت مسلمانان بود. این ایمان و اتحاد بود که باعث پیروزی می‌شود، به طوری که اگر در جبهه حق «اختلاف» و در جبهه باطل «اتحاد» حاکم باشد، به طور قطع پیروزی از آن اهل باطل خواهد بود، بنابراین یکی از عوامل شکست ج
بهه حق در هر سطحی، پراکندگی و اختلاف است. حق، با چندگانگی و عدم هماهنگی یارانش، ضعیف و ناتوان می‌شود و باطل با یگانگی و هماهنگی حامیانش، قوی و نیرومند می‌گردد (آقا نوری، ۱۳۸۷ش، ص۴۲)، بنابراین حضرت خطاب به لشکریان خویش در خطبه ۲۵ می‌فرماید: «سوگند به خدا می‌دانستم که مردم شام به زودی بر شما غلبه خواهند کرد؛ زیرا آنان در یاری کردن باطل خود وحدت دارند و شما در دفاع از حق خود متفرقید» (نهج البلاغه، ص۷۰).

ارکان وحدت اسلامی از منظر امام علی(ع)

امام علی(ع) از دو رکن الهی و آسمانی، برای اتحاد مسلمانان به کرات در نهج البلاغه نام می‌برد که عبارتند از:

۱) قرآن کریم

در قرآن کریم، بخش قابل ملاحظه‌ای از مفاهیم اجتماعی ـ سیاسی به کار رفته است. به عنوان مثال واژه‌هایی نظیر وحدت، امت، اخوت و … نشانگر توجه تعالیم قرآن کریم به زندگی اجتماعی انسان و جوامع بشری و در معنای خاص آن توجه به زندگی مسلمانان است (احمدی، ۱۳۸۸ش، ص۷۷).

امام(ع) با توجه به این ویژگی مهم قرآن، در خطبه ۱۸ با عبارت «کتابهم واحد»، اهمیت قرآن را در ایجاد وحدت یادآور می‌شود و در حکمت ۳۶۹ می‌فرماید: «اگر مردم رهبری قرآن را کنار بگذارند و از آن جز خطوطی باقی نماند، دچار تفرقه و پراکندگی خواهند شد» (نهج البلاغه، ص۷۱۷).

۲) نبوت

امام علد(ع) دستاورد مهم پیامبر(ص) را ایجاد برادری و همبستگی میان مسلمانان می‌داند و می‌فرماید: «دلهای نیکوکاران شیفته او گشت؛ توجه دیده‌ها به سوی او است. خدا به برکت وجود او، میان دلها الفت و مهربانی ایجاد کرد، آتش دشمنیها را خاموش نمود و مردم را با یکدیگر الفت داد و برادر ساخت» (همان، ص۱۷۸).

امام(ع) همچنین در خطبه ۱۹۲ رهاورد بعثت پیامبر را وحدت میان مسلمانان برشمرده است: «به نعمتهای بزرگ الهی که به هنگامه بعثت پیامبر(ص) بر آنان فرو ریخت، بنگرید که چگونه اطاعت آنان را با دین خود پیوند داد و با دعوتش آنها را به وحدت رساند!» (همان، ص۳۹۷).

راهکارهای عملی امام علی(ع) در ایجاد وحدت اسلامی

امام علی(ع) برای تحقق هدف بزرگ و الهی خویش، که وحدت و انسجام مسلمانان در گستره جهان اسلام است، به راهکارهای عینی و عملی آن اشاره می‌کند که در زیر به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

۱) تمسک به قرآن و پیامبر

همان‌گونه که در حدیث ثقلین پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: «اگر بعد از من قرآن و اهل‌بیت(ع) را الگو قرار دهید و از آنها پیروی نمایید، هرگز دچار گمراهی، ضلالت و تفرقه نخواهید شد». امام علی(ع) نیز قرآن و شخصیت پیامبر(ص) را در خطبه ۱۸ عامل اتحاد مسلمانان می‌داند: «خدایشان واحد است، پیامبرشان یکی است و کتابشان نیز یکی است، پس آیا خدا آنها را به اختلاف امر کرده که اطاعتش می‌کنند یا آنکه از اختلاف نهی کرده و او را نافرمانی می‌کنند».

۲) صبر در مسائل سیاسی

صبر و استقامت حضرت علی(ع) در همه دورانهای زندگیش، به راستی عجیب و بی‌نظیر است. مقاومت او در جنگهای صدر اسلام، مقاومت او در برابر منافقان، استقامت او در عصر خلافتش در جنگهای ناخواسته‌ای

همچون جمل، صفین و نهروان، هرکدام آینه شفافی برای نشان دادن استواری و مقاومت است (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۳ش، ص۲۹).

خطبه شقشقیه را می‌توان نظریه سیاسی آن حضرت در باب صبر در مسائل سیاسی دانست، همچنان که می‌فرماید: «پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خردمندانه‌تر دیدم. پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می‌نگریستم که میراث مرا به غارت می‌برند» (نهج البلاغه، ص۴۴).

هنگامی که توطئه جنگ جمل را سردمداران آن فراهم کردند، حضرت مجبور شد به سوی بصره حرکت کند، بنابراین فرمود: «دیدم صبر از تفرقه کلمه مسلمانان و ریختن خونشان بهتر است. مردم تازه مسلمان هستند و دین مانند مشکی است که تکان داده می‌شود و کوچک‌ترین فرد آن را وارونه می‌کند» (همان، ص۴۲۱).

۳) رعایت ادب کلامی

یکی از طرق ایجاد اتحاد و بستن راه پراکندگی و اختلاف، رعایت ادب در کلام است. به نحوی که سخنان گوینده، جسارت و اسائه ادب به مخاطب نباشد، تا از این طریق تیرگیها و اختلافات رفع شود و صلح و صفا میان مسلمانان برقرار گردد. امام علی(ع) در این باره سخنان بسیاری دارد از جمله: «از گفتن سخن زشت و ناهنجار بپرهیزید که دل را پر از خشم و کینه می‌کند» (غرر الحکم و درر الکلم، ج۲، ص۲۹۸)، «زبانت را به سخن ملایم و سلام کردن، عادت ده تا دوستانت زیاد و کینه‌ورزانت کم شوند» (همان، ج۴، ص۳۲۹) و «بدزبانی ارزشت را می‌کاهد و برادری را فاسد می‌کند» (همان، ج۴، ص۱۴۴).

۴) شناسایی گروههای تندروی اسلامی

یکی از چالشهای اساسی فراروی وحدت اسلامی، وجود فرقه‌های تندروی اسلامی است که امام(ع) آنان را منحرفانی می‌داند که شیطان را معیار کار خود گرفته‌اند. در عصر حکومت امام(ع)، خوارج، یکی از این گروهها بودند که گناه کبیره را موجب خروج از اسلام می‌دانستند. امام(ع) ضمن تبیین موضوع، فرمود: «شما می‌دانید که رسول خدا زناکار محصنه را سنگسار می‌کرد، دست سارق را قطع می‌کرد. رسول خدا(ص) آنها را به گناهشان مؤاخذه می‌کرد و حق را درباره آنها ادا می‌فرمود، اما سهم آنان را از اسلام قطع نمی‌کرد و نامشان را از فهرست مسلمانان خارج نمی‌کرد» (نهج البلاغه، ص۲۴۰).

نتیجه

وحدت و انسجام بین امت اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این موضوع بنیادی و مهم در کتاب آسمانی قرآن و سنت پیامبر(ص) و معصومان(ع) به طور جدی مورد توجه قرار گرفته است. نگارندگان با معرفی

حضرت علی(ع) به عنوان اولین بنیان‌گذار تقریب بین مذاهب، پس از بررسی اجمالی و نگاهی گذرا به خطبه‌ها و نامه‌های ایشان در نهج البلاغه به این مهم دست یافته‌اند که یکی از مضامین دینی و

اجتماعی که حضرت به آن تأکید ویژه داشته و آن را عامل پیروزی مسلمانان می‌دانسته، وحدت و انسجام میان مسلمانان بوده است. لازم به ذکر است که امام(ع)، وحدت اسلامی را یکی از اصول ضروری و مهم برمی‌شمارد و دستاوردهای آن را در جامعه اسلامی تحقق عدالت اسلامی، حفظ دین اسلام، جلوگیری از تسلط شیطان و … می‌داند. همچنین ایشان برای تحقق اصل وحدت میان مسلمانان، راهکارهای عملی از جمله: تمسک به قرآن و پیامبر، شناسایی گروههای تندرو و … ارائه می‌دهد و در این راستا بر دو رکن مهم و غیرقابل انکارِ قرآن و نبوت تأکید می‌کند.

مراجع

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات نسیم حیات، چاپ دوم، ۱۳۷۹ش.

۳. غرر الحکم و درر الکلم، شرح جمال‌الدین محمد خوانساری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ش.

۴. آقا نوری، علی، امامان شیعه و وحدت اسلامی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۷ش.

۵. آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.

۶. احمدی، ظهیر، «مفهوم‌شناسی امت در قرآن و اجتماع»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، شماره دوم، ۱۳۸۸ش.

۷. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، همبستگی مذاهب اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷ش.

۸. جمشیدی، محمدحسین، «چیستی و ماهیت وحدت و همبستگی در اندیشه امام خمینی(ره)»، پژوهشنامه متین، شماره ۲۷، ۱۳۸۴ش.

۹. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دارالعلم، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

۱۰. خامنه‌ای، سید علی، حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ش.

۱۱. خومحمدی، سعید، «وحدت اسلامی یا وفاق تشیع و تسنن در سخنان امام علی(ع)»، مجله نهج البلاغه، شماره ۱۵، ۱۳۸۵ش.

۱۲. شریعتی، محمدتقی، تفسیر نوین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۲ش.

۱۳. عبدالمقصود، عبدالفتاح، امام علی بن ابی‌طالب(ع): تاریخ تحلیلی نیم قرن اول اسلام، ترجمه محمود طالقانی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۳ش.

۱۴. متقی هندی، علی، کنز العمال، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق.

۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ترجمه موسی خسروی و دیگران، تهران، نشر اسلامیه، ۱۳۶۰ش.

۱۶. محمدی اشتهاردی، محمد، «صبر و مقاومت در سیره پیشوایان»، مجله پاسدار اسلام، شماره ۲۷۴، ۱۳۸۳ش.

۱۷. مطهری، مرتضی، حکومت دینی در اندیشه آیت ا مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۵ش.

۱۸. همو، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۹۰ش.

نویسندگان

ابوذر قاسمی آرانی دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی ؛ زینب خرم آبادی آرانی دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی